

دکتر مارو ویلسون، پیامبران، جلسه ۹، یونس، بخش ۲

مارو ویلسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر مارو ویلسون در تدریس خود در مورد پیامبران است. این جلسه نهم در مورد یونس، بخش دوم است.

یک روز دیگر، شما ما را در طول شب همراهی کردید و ما پیش‌بینی می‌کنیم که امروز با شما همراه شویم، ذهن‌هایمان را به روش‌های جدیدی گسترش دهیم، یاد بگیریم که چگونه بیشتر شادی کنیم، بیشتر مبارزه کنیم، بیشتر ببخشیم، درباره بشریت، جهان و اینکه چگونه در آن دستور جلسه که ما آن را طرح خدا می‌نامیم، قرار می‌گیریم، بیشتر بیاموزیم.

ما اعتراف می‌کنیم که همه ما گاهی اوقات احساسی مانند یونس داریم و می‌خواهیم از مسئولیت‌ها شانه خالی کنیم. می‌خواهیم در مسیر متفاوتی حرکت کنیم. به ما جرات و شجاعت بده تا مردان و زنان خدا برای نسل خود باشیم.

می‌دانیم که این کار آسانی نیست، اما از تو سپاسگزاریم که یک نفر، به علاوه‌ی قادر مطلق، همیشه اکثریت را تشکیل می‌دهد. به ما کمک کن تا درک کنیم که دستاوردهایی که در این زندگی اتفاق می‌افتد به خاطر توست و نه به خاطر ما و ما شادمان باشیم. به واسطه‌ی مسیح، پروردگاران، دعا می‌کنیم. آمین.

ما ایلم امروز با ارائه‌ی نظراتی در مورد داستان یونس شروع کنیم. می‌خواهیم چند تفسیر، چند تفسیر الهیاتی، چند تفسیر تاریخی و چند تفسیر جغرافیایی ارائه دهیم.

می‌خواهیم درباره تأثیر این کتاب صحبت کنیم، که در واقع تنها کتاب از مجموعه پیامبران کوچک است که به هر معنا، جزئیات بیشتری از زندگی این شخصیت، یونس، اهل این شهر کوچک در جلیل را روایت می‌کند. همچنین، گمان می‌کنم، این کتاب به ما نشان می‌دهد که همه شخصیت‌های کتاب مقدس که به نظر می‌رسید خدا بیشترین استفاده را از آنها کرده است، همیشه ۱۰۰٪ مطیع نبوده‌اند. این به معنای توجیه نافرمانی ما نیست، بلکه به این معنی است که لازم نیست همیشه کامل باشید تا خدا از شما استفاده کند.

شما به سه نفر از چهار زن اول در عهد جدید نگاه می‌کنید. همه آنها زنانی با شهرت مشکوک در عهد عتیق بودند. ما به موسی، بزرگترین پیامبر، نگاه می‌کنیم که مرتکب قتل شد، یک مصری را کشت و او را در شن فرو کرد. ما به شخصیت‌های دیگری مانند داوود نگاه می‌کنیم که مرتکب گناه مضاعف زنا و قتل شد.

در کتاب مقدس، ۷۳ مزمور منسوب به داوود را می‌بینیم که برخی از آنها از عمیق‌ترین نمونه‌های معنوی هستند که ما داریم. یونس یکی از آن پیامبرانی است که بین اطاعت از خدا و پیروی از خدا در کشمکش بود زیرا او برنامه‌های شخصی زیادی داشت که واقعاً باید آنها را به خدا تسلیم می‌کرد. و این همیشه کار آسانی نیست.

برای مثال، یونس یک میهن‌پرست سرسخت بود و به هیچ وجه نمی‌توانست تصور کند که به سمت آدم‌های شرور خاور نزدیک باستان در آن زمان، یعنی نینوا، برود. با این حال، این نقشه خدا بود. هر یک از فصل‌ها در یک کلمه به نوعی شرحی از داستان یونس ارائه می‌دهد.

در فصل اول، پیامبر فراری است. در فصل دوم، پیامبری است که پیامبر دعاکننده است. و البته در آنجا، ما از روایت سراسر به شعر روی می‌آوریم.

این دعایی است که در حال بازسازی است و از دفن او در ماهی گرفته شده است. در فصل سوم، خداوند به او فرصت دوباره‌ای می‌دهد. بنابراین، به جای پیامبر فراری و پیامبر دعاکننده، اکنون او به نقطه اطاعت می‌رسد.

و بنابراین، ما یک پیامبر مطیع داریم. اما، با اینکه او مطیع است، در فصل آخر، او پیامبری اخمو است، او پیامبری خشمگین است، می‌دانید، او، از نظر شخصی خودش، به تلخی شکایت می‌کند. او می‌خواهد بمیرد.

و خدا شروع به زیر سوال بردن نگرش او می‌کند. بنابراین، ما انسان‌های زیادی را می‌بینیم که در کشمکش‌های شخصی خود با معنای پیامبر بودن، آشکار می‌شوند. در آیه آغازین، مثالی از هندادیس داریم که بارها در پیامبران، هندادیس، خواهیم دید.

dy یا dys به معنی از طریق یا از میان است. و Dia. در زبان یونانی است one شکل خنثی کلمه Hen کلمه هم البته به معنی دو، یکی به دو است.

مرتبط می‌شوند. در انگلیسی، ما an بیان یک ایده با استفاده از دو کلمه است که معمولاً با hendiadys و می‌توانیم از یک کلمه استفاده کنیم. اما، در تمام طول عهد جدید، با استفاده از آن سبک سامی، می‌گوید که عیسی پاسخ داد و گفت.

اگر امروز در حال نوشتن مقاله هستید، نیازی به پاسخ و پاسخ ندارید. دو به قیمت یک می‌توانیم آن را به خوبی به یک کلمه خلاصه کنیم.

هندیادیس دو کلمه است. و این را کجا در یونس می‌بینید؟ خب، همین اول، برخیز، به نینوا برو. ما می‌گوییم، به نینوا برو، نه اینکه برخیز، برو.

این سبکی است که در بسیاری از جاهای کتاب مقدس می‌بینید - نوع ادبی. و ما از همان ابتدا با آن روبرو می‌شویم.

کتاب با کلماتی در آیات ۱.۱ آغاز می‌شود، کلام خداوند بر یونس نازل شد. حال، در مورد برخی از پیامبران اسرائیل، کلام به صورت بوته‌های بزرگ، چشمگیر، سوزان و رؤیاهای بسیار قدرتمند ظاهر شد. به حزقیال نگاه کنید.

او برای مدت طولانی از حال می‌رود، در حالی که غرق در این ارابه‌ی بشقاب پرنده‌ای است که پایین می‌آید. این صحنه بسیار طاقت‌فرسا و غیرقابل تحمل بود. از سوی دیگر، همانطور که گفتم، سایر پیامبران اغلب به آرامی می‌گویند، خدا با من صحبت کرد، یا کلام خداوند بر من نازل شد.

و عبارت اینجا، یعنی کلام خداوند، به وفور در نوشته‌های انبیا یافت می‌شود. یوئیل اینگونه آغاز می‌کند. میکاه ۱:۱ نیز اینگونه آغاز می‌شود.

هوشع اینگونه آغاز می‌شود. حال، کلام خداوند می‌آید. کلام خداوند، هرچند شما با این عبارت آشنا هستید، به خصوص از لوگوس در یوحنا ۱. لوگوس به معنی کلمه است.

است (Davar) است. کلمه دیگری است. در زبان عبری، داور (Memra) ممرا.

صدها بار در عهد عتیق آمده است و می‌تواند از خود کتاب مقدس گرفته تا کلمه‌ای که Davar و کلمه وحی الهی به پیامبر است، مورد استفاده قرار گیرد. و عبارت «کلام خدا»، منبع پیامبر را نشان می‌دهد. قبلاً هم گفته‌ام و دوباره می‌گویم، دو راه وجود دارد که می‌توانید خواندن کتاب مقدس را شروع کنید.

می‌توانید آن را به عنوان کتاب مقدس، به عنوان کلام خدا بخوانید، و سپس بیان ادبی و ژانر آن را بررسی کنید و ببینید چگونه ساخته شده است. یا می‌توانید مطالعه خود را در مورد کتاب مقدس با نگاه کردن به آن به عنوان یک منبع ادبی ساده شروع کنید. من فکر می‌کنم وقتی به پیامبران نگاه می‌کنید، مستلزم پذیرش پیش‌فرض این است که تا آنجا که به پیامبر مربوط می‌شود، او اینگونه آن را بیان می‌کند.

چیزی ماوراءالطبیعه در این مورد وجود دارد که کلام خداوند بر او نازل شده است. دوباره، برگردیم به سخنرانی افتتاحیه‌مان، پیامبر کیست؟ سخنگوی خدا. و بنابراین به نوعی آن اطمینان وجود داشت، چه بزرگ و چشمگیر باشد و چه صرفاً یقین خاموش در درون پیامبر که او کلام خدا را می‌گوید.

و در واقع، پس از مقاومت در برابر اولین مأموریتش برای خدمت و دریافت دومین مأموریت در فصل ۳ باید باور کنید که او به چیزی بزرگتر از خودش حساس بوده است. در این فصل آمده است که کلام خداوند به یونس نازل شد و گفت: برخیز، به نینوا، شهر بزرگ، برو و علیه آن فریاد بزن. یا همانطور که در ۱-۲ آمده است، علیه آن موعظه کن NIV.

این کل مفهوم کریگما است که یکی از مهمترین کلمات شما در مطالعه عهد جدید است. کریگما به معنای به معنای اعلام کردن، موعظه کردن، اعلام کردن. کریگما kerruso اعلام یا موعظه است، از فعل یونانی عهد جدید به ویژه در چیزی که می‌توانیم به طور خلاصه انجیل بنامیم، وجود دارد، اینکه چگونه مسیح مرد دفن شد و در روز سوم دوباره زنده شد.

این کریگما است، چیزی که در کلیسای اولیه اعلام شد، چیزی که بشارت داده شد. این یک اعلامیه بود. بنابراین، این ایده اعلامیه یا موعظه چیزی نیست که در عهد جدید پیدا کنید.

اعلام پیام، معادلی در عهد عتیق دارد. و خدا پیامی برای ارائه در مورد این شهر بزرگ نینوا داشت. بسیار خوب، یونس، نیمه اول قرن هشتم پیش از میلاد.

گفتم که تا سال ۷۰۰ پیش از میلاد، نینوا به پایتخت یکی از ابرستاره‌های نوظهور در خاور نزدیک باستان تبدیل شده بود. آن سناخریب بود. به یاد داشته باشید که تا سال ۷۰۰، سناخریب آن شهر را پایتخت خود قرار داد و تا زمان سقوط امپراتوری آشور در سال ۶۱۲، پایتخت آن باقی ماند.

دفعه‌ی پیش اشاره کردم که ناحوم سقوط شهر نینوا در سال ۶۱۲ را توصیف می‌کند. در آن آمده است که شرارت آن شهر آشکار شده است. حال، اگر کتاب ناحوم را بخوانید، فهرست مشخص‌تری از چیزهایی که به این شهر شهرت شرارت بخشیده است، خواهید یافت.

یک، دو. یا بعداً در ۳۱۰، دربار توبه اهالی نینوا از راه‌های شیطانی‌شان صحبت می‌کند. حالا، یونس پیش از این دقیق نیست.

این کلمه رشا به معنای ساده‌ی بی‌بندوباری اخلاقی، شرارت و رها بودن از هر چیزی است، همانطور که در اشعیا به کار رفته است. بنابراین، همیشه در حال تغییر و تحول است، احتمالاً در اشاره به اخلاق و آداب و رسوم. اما وقتی به کتاب ناحوم در فصل‌های ۲، ۱۲ و ۱۳ و همچنین در فصل ۳ نگاه می‌کنید، خواهید دید که در آن فصل‌ها شامل فحشا، جادوگری، ظلم و ستم برای غارت در جنگ می‌شود.

فراموش نکنید که رومی‌ها، همانطور که هشل در کتاب درسی شما خواهد آورد، این ایده را داشتند که رعایای فتح‌شده را به دار می‌آویختند، به آنها تیری می‌کوبیدند و آنها را، به‌ویژه رهبران شهر، در بیرون دیوار شهر به نمایش می‌گذاشتند. و بنابراین، مفهوم مصلوب کردن رومی‌ها در واقع از آشوری‌ها گرفته شده است، که برخی از آنها، پادشاهانشان به این می‌بالیدند که در سراسر کوه‌ها با خون دشمنانشان کشته شده‌اند. همانطور که در فصل ۳، آیه ۱۶ از کتاب ناحوم آمده است، نینوا همچنین ممکن است به عنوان مکانی برای تجمل‌گرایی تجاری ذکر شده باشد.

اما باز هم، ما در اوایل مطالعه خود درباره پیامبران یاد می‌گیریم که چیزی به عنوان اخلاق بین‌المللی وجود دارد که کتاب مقدس از آن حمایت می‌کند. اینطور نیست که قوم عهد خدا از نظر اخلاقی و معنوی پاسخگو باشند، بلکه پیامی که ما در پیامبران دریافت می‌کنیم این است که پیام‌هایی برای ملت‌های خارجی وجود دارد. و باز هم، این موضوع به طور بسیار قدرتمندی هنگام بررسی آن هشت ملت در عاموس ۱ و ۲ و اینکه چرا آنها به خاطر اعمال غیرانسانی و ظلمشان، به ویژه، مورد سرزنش قرار می‌گیرند، برای ما روشن خواهد شد.

نقض حقوق بشر بسیار زیاد است. بنابراین، اگر شما از حقوق بشر در جهان امروز حمایت می‌کنید که من فکر می‌کنم هر مسیحی باید این کار را انجام دهد، و ما باید علیه ظلم و بی‌رحمی و غیرانسانی صحبت کنیم، برای همه اینها یک مبنای کتاب مقدسی وجود دارد.

عدالت اجتماعی چیزی نیست که مسیحیت اختراع کرده باشد، از بیوه زنان مراقبت کنید، برای فقرای اورشلیم صدقه جمع کنید. نه، این عدالت، اساس تمام آموزه‌های کتاب مقدس در شریعت موسی است تنها چیزی که اینجا می‌بینید، پیامبرانی هستند که در مورد آنچه که قبلاً از تورات به عنوان اصول اساسی آمده بود، تأمل می‌کنند.

و به همین دلیل است که اگرچه مسیحیان باید همیشه مسیح‌محور باقی بمانند، اما اگر تورات محور نباشیم، سعی خواهیم کرد کتاب مقدس را بدیع کنیم. و کتاب مقدس، حداقل در عهد جدید، بدیع نیست. یعنی باید ایده‌های جدیدی ارائه می‌داد. به همین دلیل است که ما آن را عهد جدید می‌نامیم.

خیر، مگر اینکه هر ایده‌ای در عهد جدید بتواند اعتبارسنجی، تثبیت و اثبات شود، و بتوان آن سابقه را از قبل در شریعت انبیا و نوشته‌ها یافت، در غیر این صورت وارد عهد جدید نمی‌شود، زیرا آنها فقط یک کتاب مقدس داشتند. و اتفاقاً آنها از کتب آپوکریفا نقل قول نمی‌کردند. اگرچه بسیاری از نوشته‌های آپوکریفا از قبل تثبیت شده بودند، مانند سیراخ، یا حکمت عیسی، بن سیراخ، یا اکلسیاستیکوس، همانطور که ما آن را می‌نامیم.

این در آغاز قرن دوم پیش از میلاد، حتی قبل از شورش مکابیان نوشته شده است. در سال‌های ۱۶۸-۱۶۵ پیش از میلاد. مکابیان اول و دوم، همچنین دهه‌های بسیار بسیار زیادی قبل از عهد جدید نوشته شده‌اند.

آن متون مقدس وجود داشتند و در دسترس بودند. در واقع، برخی از آنها در کتابخانه قمران، زمانی که طومارهای دریای مرده از بسته‌بندی خارج و مرتب شدند، یافت شدند. اما آنها به همان شیوه‌ای که متون مقدس عهد عتیق و پیامبران مورد توجه قرار گرفته‌اند، مورد توجه قرار نگرفته‌اند.

در متن عبری به TARSHISH، یونس برخاست تا به ترشیش برود. و اگر در آنجا توجه کنید، کلمه ترشیش، است و به معنای "در جهت چیزی" است. احتمالاً Tarshishah اشاره دارد که انتهای کلمه Tarshishah

در جنوب غربی اسپانیا، نزدیک به صخره جبل الطارق است که اتفاقاً مستعمره Tartessus این شهر معدنی فنیقی‌ها بوده است.

در این زمان خاص، فنیقی‌ها دریاها را آزاد را کنترل می‌کردند. حتی در زمان سلیمان، که چندین قرن قبل‌تر بود، زمانی که سلیمان برای تمام تجارت خود نیاز به ناوگانی از کشتی‌ها داشت، کشتی‌های او به عنوان کشتی‌های ترشیش شناخته می‌شوند، اول پادشاهان ۲۲:۱۰. بنابراین، فنیقی‌ها در مدیترانه سفر می‌کردند. و یکی از چیزهای خاصی که امروزه در موزه مورچه‌های کتاب مقدس در اورشلیم می‌بینید، یک قطعه بسیار منحصر به فرد است.

میمون‌ها هستند. وقتی به مدیترانه می‌رفتید، میمون‌ها همیشه سوار کشتی‌ها می‌شدند. و همیشه از دکل بالا می‌رفتند، چون میمون‌ها بهترین بینایی را داشتند.

آنها همیشه اولین کسانی بودند که می‌توانستند خشکی را ببینند. آنها در دوران کتاب مقدس، رادار شما در مدیترانه بودند. و وقتی شروع به پیچ پیچ می‌کردند، ملوانان زیر آب می‌دانستند که اولین کسی هستند که خشکی را دیده‌اند.

و در این موزه اورشلیم، می‌توانیم این میمون‌ها را ببینیم. و این یک ویتترین بسیار جالب است که به اهمیت میمون‌ها هنگام سفر با یکی از این کشتی‌ها در دریای مدیترانه اشاره می‌کند. خب، فنیقی‌ها می‌توانستند ۲۰۰۰ مایل به سمت غرب، از یاپا تا اسپانیا بروند.

و آنجا یک مستعمره معدنچیان بوده است. احتمالاً، تارتوس هم همین است. اما از طرف دیگر، گزینه دیگری برای فهمیدن آن کلمه وجود دارد و آن ترشیش است.

واژه ترشیش در زبان عبری به دریای آزاد اشاره دارد. پروفیسور سایروس گوردون در یکی از مقالات علمی خود اشاره می‌کند که این کشتی‌ها که معمولاً با کلمه ترشیش مرتبط هستند، به دریای آزاد مرتبط هستند. یعنی آنها کشتی‌های تجاری، کشتی‌های تجاری بزرگ هستند.

و بنابراین ترشیش ممکن است مترادف با دریای آزاد باشد. وقتی می‌گویید کشتی ترشیش، ممکن است مانند یک کشتی باری بین قاره‌ای یا جهانی باشد، از این نوع عبارت. در آن صورت لزوماً به یک مکان اشاره نمی‌کند، بلکه به توانایی آن در تردد در دریاها اشاره دارد.

یکی از همکلاسی‌های من در دوران تحصیلات تکمیلی، پس از گرفتن مدرک دکترا، چندین سال را صرف رفتن به زیر آب در مدیترانه و جستجوی کشتی‌های غرق‌شده کرد. و به‌ویژه در این زمان از سال، با شروع ماه مارس، زمانی است که در آن بخش از جهان، جایی که طوفان‌های بزرگتر معمولاً در اواخر زمستان رخ می‌دهند، شاهد غرق شدن کشتی‌ها هستیم. و آیا پولس رسول را به یاد دارید که کشتی‌اش غرق شد و در کدام جزیره؟ مالت، سرگردان شد.

خوبه. توی جزیره مالت. و در مورد این صحبت می‌کنه که چطور بیش از ۲۵۰ زندانی که با اون کشتی به سمت رم می‌رفتند، تا وقتی که به ساحل رسیدند، به تکه‌های چوب چسبیده بودن.

یکی از بزرگترین عبارات کتاب مقدس در مورد معنای خدمتگزار بودن، در آن متن، در آخرین بخش کتاب اعمال رسولان یافت می‌شود. در آن متن آمده است که زندانیان سردشان بود و گرسنه بودند، بنابراین پولس برای آتش هیزم جمع کرد. در اینجا پولس رسول قدرتمند را می‌بینید که با زندانیان به سمت روم می‌تازد.

او می‌توانست بگوید، بسیار خوب، شماره ۱۱۴ آنجا، هیزم برای آتش جمع کن. پولس حتی در میان زندانیان آن کشتی غرق شده هم تبدیل به یک خدمتکار می‌شود. بسیار خوب، پس فنیقی‌ها کسانی بودند که به احتمال زیاد این کشتی را اداره می‌کردند.

و همانطور که احتمالاً می‌دانید، فنیقی‌ها کسانی بودند که الفبا را اختراع کردند. فنیقی‌ها از این سرزمین که درست در شمال کوه کرمل قرار دارد، آمده بودند. صور و صیدا دو شهر مهم آنها بودند. و البته، امروزه، این سرزمین لبنان است.

فنیقی‌ها کنعانی هستند، همانطور که به آنها کنعانی نیز گفته می‌شود زیرا کنعانی‌ها در سراسر سواحل شرقی مدیترانه ساکن بودند. آنها متن صامت، الف، بت، گیمیل، دالت را اختراع کردند. و آنها، چون قومی سامی بودند، آن را به عبرانیان منتقل کردند.

بنابراین در مزمور ۱۱۹ الف، بت، گیمیل، دالت را دارید. آنها آن را به یونانیان، آلفا، بتا، گاما و دلتا منتقل کردند. سپس یونانیان در نهایت آن را به اتروسک‌ها و رومی‌ها و در نهایت به ما منتقل کردند.

بنابراین، فنیقی‌ها سهم بسیار مهمی در این امر داشتند. و ما کم‌کم به کنترل اوضاع توسط خدا پی می‌بریم. آیا به مشیت الهی اعتقاد دارید؟ شما به مشیت الهی اعتقاد ندارید زیرا فرهنگ لغت کتاب مقدس به شما می‌گوید مفهومی به نام مشیت الهی وجود دارد.

یکی از دلایلی که ما کتاب مقدس را مطالعه می‌کنیم این است که ببینیم خدا در طول زمان چگونه عمل کرده است. یکی از اصول اصلی که من بارها و بارها در پدرمان ابراهیم بر آن تأکید می‌کنم، اصل اساسی برای ساختن یک دیدگاه جهانی و زندگی است، یعنی اینکه همه چیز الهیاتی است. از دیدگاه عهد عتیق، خدا در هر بُعدی از زندگی دست دارد.

او در همه چیز دخیل است. او نویسنده، کنترل‌کننده، طراح، کسی است که هدایت می‌کند، کسی است که در طول تاریخ حرکت می‌کند و حضور خود را نشان می‌دهد، زیرا تاریخ را به جایی می‌برد. بنابراین، از آنجایی که دیدگاه مسیحی و یهودی به تاریخ این نیست که ما چرخ‌هایمان را بچرخانیم، این ماجرا به کجا ختم خواهد شد؟ آیا آدم‌های بد پیروز خواهند شد یا آدم‌های خوب؟ این حتی برای کسی که آموزه‌های کتاب مقدس در مورد تاریخ را می‌فهمد، گزینه‌ای نیست.

کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که هشل درست می‌گوید وقتی می‌گوید خدا تاریخ و ملت‌ها را هدایت و رهبری می‌کند. و او این کار را به صورت خطی و تدریجی و پیشرونده انجام می‌دهد تا زمانی که به رویای پیامبران عصر صلح، عدالت و انصاف بر روی این زمین، برسیم. بنابراین، این چرخه‌های تکراری مانند آنچه طبیعت اغلب نشان می‌دهد، نیست.

و در حالی که هشل این را تشخیص می‌دهد، هشل خیلی سریع و باز هم به درستی خاطر نشان می‌کند که هر اتفاقی که روی زمین می‌افتد، خواست خدا نیست. به عبارت دیگر، اعمال انسان‌ها همگی مترادف با خواست خدا نیستند. و اگرچه خدا به انسان آزادی می‌دهد، اما هر اتفاقی که روی زمین می‌افتد، خواست خدا نیست.

به گفته هشل، هر عملی در دوران کتاب مقدس یا امروز یا اراده خدا را در جهان تقویت می‌کند یا مانع و رادع اراده خدا در جهان می‌شود. بنابراین، افراد و ملت‌ها می‌توانند انتخاب‌هایی انجام دهند که مطابق با نقشه خدا در جهان برای پیشبرد بیشتر آن باشد. یا برعکس، قضیه برعکس است.

به عبارت دیگر، خدا دخالت نمی‌کند و انسان را به عروسک خیمه‌شب‌بازی تبدیل نمی‌کند و همه چیز را در جهان دستکاری نمی‌کند. بنابراین، طرح بزرگ و باشکوه توسط خدا کنترل می‌شود. منظور ما از انتخاب پراویدنس به عنوان پایتخت رود آیلند همین است.

مشیت الهی. راجر ویلیامز، که در اولین کلیسای بپتیست آمریکا به یادش گرامی داشته شد. او کشیشی در شهر پراویدنس بود.

این یک آموزه بسیار مهم بود. خدا کنترل می‌کند، پس چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ آیه ۴، خداوند باد شدیدی فرستاد. حالا، من و شما می‌توانیم این را به عنوان دانشمند، به عنوان هواشناس تعریف کنیم، یا به آن به روشی که کتاب مقدس می‌گوید نگاه کنیم.

از آنجایی که خدا همه چیز را کنترل می‌کند، خدا باد را می‌فرستد. از سوی دیگر، می‌توانید توضیح دهید که همزمان با توسعه یک جبهه خاص، از غرب به سمت شرق مدیترانه، عوامل هواشناسی خاصی وجود دارند. که این زمان از سال، زمان بادخیز سال، را به وجود آورده‌اند و منجر به تکه تکه شدن این کشتی شده‌اند.

خب، ای خداوند، این از دیدگاه کتاب مقدس است. خداوند به طور مطلق نظم طبیعی را کنترل می‌کند. و شما دوباره این شعار را در این کتاب کوچک خواهید شنید.

در سال ۱۱۷، خداوند ماهی بزرگی فراهم کرد. او طبیعت را کنترل می‌کند. در سال ۲۱۰، خداوند به ماهی فرمان داد و ماهی یونس را قی کرد.

خداوند طبیعت را کنترل می‌کند. ۴۶۷ و ۸، سپس خداوند تاکی فراهم کرد و آن را رشد داد. ۴۷، خداوند کرمی فراهم کرد که تاک را جوید.

خداوند باد شرقی سوزانی، یک هامسین، را فراهم کرد که در مورد آن صحبت خواهیم کرد. باز هم ۴۸، در تمام روایت اینجا خداوند طبیعت را کنترل می‌کند. من به این نکته اشاره می‌کنم زیرا در میان فنیقی‌ها یا کنعانی‌ها، به یاد داشته باشید، طبیعت و خدا یکی بودند.

این یک دین طبیعی بود. بعل خدای آب و هوا بود. بعل در سواحل فنیقیه بسیار مورد پرستش قرار می‌گرفت.

. همسر اخاب اهل کجا بود و نامش چه بود؟ ایزابل. و ایزابل دختر چه کسی بود؟ ایزابل، دختر پادشاه صور. و او این تعصب به پرستش طبیعت را به پادشاهی شمالی آورد.

از فنیقیه آمده است. وقتی کتاب مقدس خدا را با طبیعت برابر نمی‌داند بلکه می‌گوید خدا مافوق طبیعت است، او مترادف با طبیعت نیست. این یک بیانیه است. کتاب مقدس از وحدت وجود، طبیعت و یکی بودن خدا حمایت نمی‌کند.

اما همیشه بین خالق و مخلوق تمایزی وجود دارد. بنابراین، تا حدودی، فکر می‌کنم از نظر الهیاتی، پیامی در متن وجود دارد. خداوند این باد شدید را می‌فرستد و چه اتفاقی می‌افتد؟ همه ملوانان ترسیده بودند.

کلمه ملوان در زبان عبری کلمه جذابی است. ملوان به معنای واقعی کلمه به معنای نمک‌خوار است. و این کلمه عبری برای نمک، نمک‌خواران ملوانانی هستند که می‌ترسند، احتمالاً به این دلیل که در دریای مدیترانه تردد می‌کردند و حمام‌های زیادی با آب نمک را تجربه می‌کردند.

آنها شور هستند. بنابراین، در کتاب مقدس، ملاکیام، دریای نمک، وجود دارد که جروم در سال ۴۲۰ آن را دریای مرده نامید و از آن زمان ما آن را دریای مرده نامیده‌ایم. اما کتاب مقدس آن را ملاکیام، دریای نمک می‌نامد.

سپس ملوانان به خدایان خود و احتمالاً هر یک از آنها فریاد می‌زنند. این یک دنیای طبیعی چندخدایی است و افرادی که در کشتی بودند، خدایانی مانند بعل، خدای آب و هوا، که باران را آورد، زمین را حاصلخیز کرد و محصولات را رشد داد، می‌پرستیدند. در این زمان بحرانی، ملوانان تصور کردند که احتمالاً یک فرد گناهکار در کشتی وجود دارد، زیرا ارتباط نزدیکی بین این دو وجود دارد: اگر خدای شما از شما عصبانی است، احتمالاً به همین دلیل است که چنین اوقات بدی را سپری می‌کنید. اگر شما مورد لطف قرار گرفته‌اید انبارهای شما پر از غلات است؛ همسران باردار است و محصولات شما دچار آفت و کپک و خشکسالی نمی‌شوند، زیرا همه چیز از نظر دنیای طبیعی اطراف شما خوب پیش می‌رود، پس حتماً خدای طبیعت از شما راضی است.

باز هم، به خاطر داشته باشید که در دنیای باستان، «معامله به مثل» روشی بود که برای نزدیک شدن به دین به کار می‌رفت. شما برای خشنود کردن خدای خود هدایایی می‌آوردید تا او به شما روی خوش نشان دهد. به همین دلیل است که میکاه ۶.۸ یک نقطه اوج است.

بعداً در این دوره به آن خواهیم پرداخت. اما حتی این پیشنهاد نیز در آنجا مطرح شده است: اگر من میوه رحم خودم را برای گناه روحم بدهم، آیا این چیزی است که تو می‌خواهی، پروردگار؟ آیا این تو را خشنود می‌کند؟ قربانی انسان، بهترین من. میکاه، البته، می‌گوید، نه، آنچه خداوند می‌خواهد، مشیات، حشد و زینبوت است.

و ما درباره عدالت، عشق پایدار، مهربانی (آنطور که گاهی ترجمه می‌شود) و فروتنی در برابر خدا صحبت خواهیم کرد. او این تشریفات را نمی‌خواهد زیرا عشق یهوه را نمی‌توان با تشریفات خرید. و این خطری است که مسیحیت همیشه در معرض آن بوده است.

و بسیاری طعمه‌ی بده بستان، چیزی در برابر چیزی، شده‌اند. خدایا، من امروز 30 دلار در بشقاب گذاشتم؛ بنابراین، تو حق داری به خاطر آنچه سرمایه‌گذاری کردم، به من پس بدهی. اینها اتفاقات خوبی هستند که امروز برای من رخ خواهند داد.

خدا یک ماشین کیهانی نیست که ما برای به دست آوردنش اینقدر هزینه کنیم. ما او را از روی عشق خالص خدمت می‌کنیم. اول سموئیل ۱۲ پاسخ این سوال را برای مسیحیان می‌دهد.

سموئیل در شرف مرگ است. او پیامبر بزرگی بود. و می‌گوید، به خاطر کارهای بزرگی که برای شما انجام داده است، او را خدمت کنید.

در مسیحیت، ما از این مضمون الهام می‌گیریم. اول یوحنا می‌گوید: ما او را دوست داریم زیرا او ابتدا ما را دوست داشت. اما همانطور که می‌بینید، پیشینه‌ای در عهد عتیق از پیامبران وجود دارد.

ما برای به دست آوردن چیزی نمی‌بخشیم. بسیاری از مسیحیان از روی عشق به مسیحیت روی می‌آورند. ما برای به دست آوردن چیزی نمی‌بخشیم.

این دین کنعانی‌هاست. من باید خدا را خشنود کنم. من باید خدا را آرام کنم.

ممکن است عصبانی باشد. من باید او را از سرم باز کنم تا بتوانم با انجام تشریفات مذهبی، حقش را بگیرم یا مالش را بخرم و طرف او را بگیرم. و این طرز فکر اشتباه است.

بنابراین، در این زمان بحرانی، ملوانان فکر کردند از آنجایی که دریا متلاطم شده، باید کسی انگشت اتهام را به سمت آنها نشانه بگیرد. تو مقصر هستی. خدای تو حتماً از دستت عصبانی است.

و اگر قرار است این کشتی نجات یابد، باید آن خدا را خشنود کنیم. یونس کجاست؟ آیه ۶، در دریا. زیر عرشه، غارت شده.

در واقع، اگر ترجمه هفتادگانی را بخوانیم، که در این مورد خاص کمی مفصل است، می‌گوید خرناس بلند یونس بود که توجه را به این واقعیت جلب کرد که او زیر عرشه، در خواب عمیقی بود، تقریباً یک خواب هیپنوتیزی به معنای کلمه‌ای که در اینجا استفاده شده است. پس منظورت از خوابیدن چیست؟ برخیز، خدای خود را بخوان تا ما هلاک نشویم. بنابراین، می‌گوید که آنها قرعه انداختند.

ظاهراً قرعه‌کشی در زمان کتاب مقدس به طور گسترده انجام می‌شده است. من امروز آن را توصیه نمی‌کنم. های بهتری نسبت به آنچه که در نگاه اول ممکن است یک روش نسبتاً GPS، شما برای زندگی مسیحی تصادفی و بی‌هدف برای دریافت راهنمایی به نظر برسد، دارید.

قرعه‌کشی چه بود؟ ظاهراً شامل چوب‌ها یا سنگریزه‌هایی می‌شد که احتمالاً علامت‌گذاری شده بودند و از نوعی ظرف که در آن انداخته شده بودند، بیرون کشیده می‌شدند. یکی از نسخه‌های این روش بعداً در دنیای، را برمی‌داشتید که یک تکه سفال است ostracon ما است، جایی که شما یک ostracize یونان، منشأ کلمه جمع آن، تکه‌های سفال است و مردم یک جامعه یا روستا می‌توانستند از نظر سیاسی به این ostraca، روش رأی دهند. بنابراین، انداختن قرعه برای تعیین هویت مجرم نه تنها در اسرائیل، بلکه در سراسر خاور نزدیک باستان به طور گسترده انجام می‌شد.

در واقع، کتاب مقدس می‌گوید که قبایل اسرائیل با قرعه‌کشی سرزمین‌های مناسب خود را در سرزمین موعود به دست آوردند. این همان چیزی است که کتاب اعداد می‌گوید. و اگر فکر می‌کنید این صرفاً یک رسم عهد عتیق است، به هیچ وجه اینطور نیست.

انداختن قرعه در کجای عهد جدید آمده است؟ خوب، یک جا قرعه‌کشی برای عیسی نزدیک است. عالی، جایگزینی یهودا و حواریون اولیه برای تعیین اینکه چه کسی جایگزین یکی از دوازده نفر خواهد شد. قرعه‌کشی کردند.

بنابراین، هنوز این باور وجود داشت که خدا این فرآیند را هدایت می‌کند، فرآیندی که ممکن است برای ما تا حدودی تصادفی به نظر برسد. اما امثال ۱۶:۳۳ می‌گوید که خدا در واقع نحوه افتادن قرعه را هدایت کرد. بنابراین، همانطور که امثال ۱۶:۳۳ می‌گوید، تصمیم از جانب خداوند بود.

در هر صورت، انگشت الهی اکنون به سمت حضرت یونس اشاره می‌کند و بلافاصله، او با انبوهی از سوالات در آیات ۸ تا ۱۰ مواجه می‌شود. چه کار می‌کنی؟ از کجا آمده‌ای؟ کثورت کجاست؟ تقریباً مانند زمانی است که در کانادا از گمرک عبور می‌کنی. معمولاً سه سوال اول

از کجا آمده‌ای؟ به کجا می‌روی؟ و چه چیزی با خود حمل می‌کنی؟ بنابراین، در این زمینه بین‌المللی، پیامبر عبری در میان ملوانان می‌خواهد نام، رتبه و شماره سریال را بداند. بنابراین، او با این موارد مواجه می‌شود. و در اینجا اولین مورد از سه اعتراف ایمان در کتاب را داریم که جالب است.

یونس می‌گوید، من یک عبرانی هستم و خداوند خدای آسمان را می‌پرستم که دریا و خشکی را آفرید. او جهان سه‌طبقه را آفرید. حال، درک کیهان‌شناختی شما، جهان سه‌طبقه است که به طور گسترده در خاور نزدیک باستان منعکس شده است، نه فقط در عهد عتیق، بلکه در عهد جدید، جایی که پولس درباره چیزهایی در آسمان، چیزهایی روی زمین، چیزهایی زیر دریا صحبت می‌کند.

بنابراین، او اعتراف می‌کند که خداوند را می‌پرستد، و این را به خلقت ربط می‌دهد. اگر فقط عهد جدید را داشتیم، ما به عنوان مسیحیان برای توسعه آموزه الهیاتی خلقت بسیار ضعیف می‌شدیم. نه تنها فصل‌های اولیه پیدایش، بلکه این یک بیانیه اعترافی از کسی است که او می‌پرستد و قدرتش در پیدایش ۱.۱ بیان شده است. باراشیث بارا.

در زبان عبری شروع می‌شوند. در ابتدا، بارا، الوهیم، خدا را آفرید B دو کلمه اول در کتاب مقدس با حرف در ابتدا، خدا آفرید.

اولین عبارت در کتاب مقدس در مورد خدا به خلقت و قدرت او می‌پردازد. بارا به معنای به وجود آوردن چیزی کاملاً جدید است: قدرت خلاق. و در اینجا، این خدای یونس، خدای مدیترانه است.

او خدای زمین و همچنین خدای آسمان است. دومین اعترافی که قرار است هنگام بیرون آمدن از شکم ماهی انجام دهد، در آیه ۲:۹، می‌گوید که رستگاری از جانب خداوند است. خدا او را نجات داد.

سومین اعتراف ایمان او در بخش ۴.۳ آمده است. وقتی خدا شهری را نیزه می‌زند، می‌گوید: «می‌دانم که تو خدایی بخشنده و مهربان هستی، دیرخشم و سرشار از محبت، خدایی که عقب‌نشینی می‌کند یا تسلیم می‌شود.» یونس این خدا را از طریق تجربه می‌شناسد. یکی از زیرموضوعات این دوره این است که الهیات ایستا نیست و صرفاً در گزاره‌های اعتقادی نوشته شده روی کاغذ و جوهر وجود ندارد.

اما الهیات نیز زنده است. پویا است. ذهنی است.

خدا زنده است و مردم با تجربه راه‌های او در جهان، درباره او می‌آموزند. اولین الهیات، قطعاً الهیات عهد جدید، الهیات وجودی است.

این شخصی است. بگذارید در مورد مردی برایتان بگویم که زندگی من را تغییر داد. سپس، تنها بعداً کلیسا آن را نوشت و در مورد آن تأمل کرد.

ما خدا را به طرق مختلف تجربه می‌کنیم. یونس در اینجا دست نجات‌بخش خدا را تجربه می‌کند. نام عیسی از این کلمه جالب که یونس در ۲:۹ استفاده می‌کند، گرفته شده است: یِشوع، به معنای رهایی یا رستگاری.

بنابراین، در آیه ۹، یونس اولین جمله اعترافی خود را بیان می‌کند، من خداوند را می‌پرستم. این احتمالاً معادل همان چیزی است که عهد عتیق از آن مراد می‌کند، من خداترس هستم. من خدایی را می‌پرستم که خدای خالق است.

کنایه ظریفی است. بعل، ببخشید، شاید طبیعت، خدا. اما من خدایی را می‌پرستم که همه این چیزها را آفریده و برتر از آنهاست و از آنها متمایز است.

حالا، آنها همچنان به او فشار می‌آورند. چه کار کرده‌ای؟ آنها می‌دانستند که او از خداوند فرار می‌کند، زیرا او به آنها گفته بود. بنابراین، او به آنها دستور می‌دهد که او را بردارند و به دریا بیندازند، زیرا من گناهکارم.

به همین دلیل است که طوفان بر شما نازل شده است. حال، در آیه ۱۳، شما یک کلمه بسیار گویا دارید. در زمان یونس، دو راه در مدیترانه وجود داشت که کشتی‌ها از طریق آنها به حرکت در می‌آمدند.

یکی، البته، با بادبان بود. این کشتی‌ها دکل داشتند. دیگری پارو می‌زدند.

حال، در اینجا در آیه ۱۳ به روش دوم اشاره شده است. در حالی که متن می‌گوید مردان تمام تلاش خود را کردند تا به خشکی برگردند، کلمه عبری برای پارو زدن به معنای کندن و حفر کردن است. معنای تحت‌اللفظی کلمه همین است.

بنابراین، آنها پاروهایشان را به آب زدند. ضمناً، همین فعل در عاموس ۹:۲ نیز استفاده شده است. بنابراین، آنها واقعاً با وجود طوفان اطرافشان، به آب زدند. آنها تمام تلاش خود را کردند تا به خشکی برگردند.

آنها در نهایت یونس را گرفته و او را به دریا انداختند. دریای خروشان آرام شد و مردان از خداوند بسیار ترسیدند.

شما آن ضرب‌المثل قدیمی را شنیده‌اید، و هیچ ملحدی در سنگرها وجود ندارد. این نشانه‌ای از انداختن او از عرشه کشتی بود، و بلافاصله، آرامشی برقرار شد. آنها احتمالاً، حداقل در آن لحظه، بسیار تحت تأثیر خدای اسرائیل قرار گرفته بودند.

و شاید در اینجا یک اعلام خودجوش وجود دارد که در این شرایط، خدای اسرائیل ثابت کرد که خدای حقیقی است. او کسی بود که طوفان را آرام کرد. در مورد تغییر دین دائمی این افراد در نتیجه شناخت این خدا، چه می‌گویید؟ آنها حتی برای یود-هه-وا-هه، خدای اسرائیل و یهوه قربانی تقدیم می‌کردند.

بنابراین، فکر می‌کنم می‌توانیم حداقل بگوییم که در این موقعیت، یک اذعان خودجوش وجود داشته که او خدای حقیقی است. داستان عهد عتیق، نبرد خدایان را به یاد بیاورید. و هر وقت عهد عتیق را تدریس می‌کنم، همیشه باید در مورد یکی از این زیرمضامین اصلی که در آن مطرح می‌شود صحبت کنم.

هر کاری که خدای شما می‌تواند انجام دهد، خدای من می‌تواند بهتر از آن را انجام دهد. و یهوه در میان خدایان بت‌پرست برای خود شهرتی دست و پا می‌کرد که او زنده است و نجات می‌دهد. خدایی که نجات می‌دهد، خدای حقیقی است.

و بنابراین، در اینجا مثالی از این می‌آوریم، یکی را در ستون یهوه قرار دهید. سربازان یا ملوانان باید تحت تأثیر این معجزه طبیعی قرار می‌گرفتند، همانطور که عیسی بر روی زمین قدم می‌زد و معجزات طبیعی را به عنوان گواهی بر اینکه واقعاً خدا در او زندگی می‌کند، انجام می‌داد. حال یک چیز دیگر در اینجا ماهی بزرگ است.

من طرفدار داستان‌های ماهی نیستم. و فکر می‌کنم اگر به این واقعیت گوش ندهیم که داستان کتاب واقعاً درباره یک خدای بزرگ است و نه یک ماهی بزرگ، از مسیر اصلی منحرف می‌شویم. اما می‌خواهم یکی از روایت‌ها را بخوانم، چون مدت زیادی است که وجود دارد و اغلب خواننده می‌شود.

این مطلب در مجله الهیات پرینستون یافت شده است. و قدمت آن به سال ۱۹۲۷ برمی گردد. و به موردی از مردی به نام جیمز بارتلی اشاره می کند.

آیا ممکن است انسانی توسط یک ماهی عظیم بلعیده شود و زنده بماند و این داستان را تعریف کند؟ این چیزی است که مجله الهیات پرینستون می گوید. این مجله داستان فوریه ۱۸۹۱ را روایت می کند. کشتی «نهنگ» ستاره شرق «در مجاورت جزایر فالکلند بود.

و دیده بان یک نهنگ عنبر بزرگ را در فاصله سه مایلی دید. دو قایق به آب انداخته شدند و در مدت کوتاهی، یکی از نیزه اندازان توانست با نیزه ماهی را شکار کند. قایق دوم به نهنگ حمله کرد، اما با ضربه شلاق دم نهنگ، نهنگ از پا درآمد.

و مردانی که به دریا انداخته شدند، یکی غرق شد و دیگری، جیمز بارتلی، ناپدید شد و دیگر پیدا نشد. نهنگ کشته شد و چند ساعت بعد، جسد بزرگ آن در کنار کشتی افتاده بود. و خدمه با تبر و بیل مشغول برداشتن چربی بودند.

آنها تمام روز و بخشی از شب را کار کردند. روز بعد، مقداری قلاب به شکم کشتی وصل کردند که روی عرشه بالا کشیده شد. ملوانان از علائم تشنجی حیات وحشت زده شدند.

و در داخل، ملوان گمشده، در حالی که دولا شده و بیهوش بود، پیدا شد. او را روی عرشه خواباندند و با آب دریا حمام کردند که خیلی زود او را به هوش آورد. اما ذهنش آرام نبود.

او را به اقامتگاه کاپیتان بردند، جایی که دو هفته دیوانه و دیوانه وار در آنجا ماند. کاپیتان و افسران کشتی با مهربانی و دقت با او رفتار کردند و کم کم حواسش به او برگشت. در پایان هفته سوم، او کاملاً از شوک بهبود یافته بود و وظایف خود را از سر گرفته بود.

در طول اقامتش در معده نهنگ، پوست جیمز بارتلی، که در معرض فعالیت شیره معده قرار داشت، دچار تغییر چشمگیری شد. صورت، گردن و دستانش به سفیدی مرگباری درآمدند که ظاهری شبیه به کاغذ پوستی به خود گرفت.

بارتلی تأکید می کند که او احتمالاً تا زمان مرگش در خانه ی گوشتی اش زندگی می کرده، زیرا از ترس حواسش را از دست داده است، نه از کمبود هوا. جالب است. افراد زیادی این داستان را تعریف نمی کنند.

به هر حال، این یکی از داستان های متعدد است، اما آن یکی را می توانید در مجله الهیات پرینستون سال پیدا کنید. بسیار خب. دفعه بعد می خواهم در مورد این سگ صحبت کنم، که نهنگ نیست ۱۹۲۷

زبان عبری کلمه ای برای نهنگ ندارد. فقط یک خنجر است. گادول، که به معنی ماهی عظیم یا بزرگ است. شما امروز به اسرائیل می روید، برای اینکه در منو ماهیگیری کنید، سگ درخواست می کنید.

بنابراین سگ یک کلمه عمومی برای ماهی است و در اینجا به عنوان خنجر توصیف شده است گادول، نوعی ماهی بزرگ. هیچ گونه ای ندارد. دلفین، هادوک، نهنگ، هر چه که باشد.

همانطور که توصیف شده، نوعی هیولای دریایی است. خب، برای امروز همین کافی است.

این دکتر مارو ویلسون در حال تدریس در مورد پیامبران است. این جلسه نهم در مورد یونس، قسمت دوم است.